

پدری که جشن عروسی پسرش را به عزاتبدیل کرد!



چند لحظه بعد نمی دانستم چه فاجعه‌ای رخ داده و باجیب میهمانان به خودم آمدم. حالا هم شرمندۀ آنها هستم و قتل عملی را قبول ندارم. در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و متهم را به خاطر قتل شبه عمد به پرداخت دیه به اولیای دم دو کودک و ۳ سال حبس محکوم کردند.

با اعتراض اولیای دم به حکم صادره پرونده به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان با شکستن حکم، پرونده را بار دیگر برای رسیدگی به شعبه ۱۰ (هم‌عرض) فرستادند.

دومین جلسه دادگاه

در دومین جلسه رسیدگی به این پرونده بار دیگر پدر مریم خواهان قصاص و دریافت دیه شد. قصاص و دیه مهریاری هم: من هم حاضر به گذشت نیستم و متهم باید قصاص شود.

پس از آن متهم به جایگاه رفت و با رد اتهام عملی قتل گفت: شما کدام پدری را سراغ دارید که شب عروسی پسرش را عزا کند. من عملی در کارم نبود. باور کنید لگد اسلحه باعث شد کنترل آن از دستم خارج شود و روی زمین بیفتد و به صورت خودکار شلیک کند. در این لحظه قاضی به متهم گفت: یکی از گلوله‌ها به گردن دختر بچه

نخستین جلسه دادگاه

در ابتدای جلسه پدر مریم به جایگاه رفت و گفت: زمانی که این اتفاق افتاد او آخر عروسی بود و ما داشتیم خداحافظی می کردیم که به یکباره محمود تفنگی را آورد و شروع به شلیک هوایی کرد و نمی دانم چطور شد که این فاجعه رقم خورد و من مجروح شدم و دخترم جلوی چشمان ما جان داد. من نمی توانم متهم را ببخشم و در خواستم قصاص و است.

پس از آن مادر مهریار که از ناحیه پا با گلوله متهم آسیب دیده بود به جایگاه رفت و اظهار کرد: آن شب بعد از اینکه گلوله‌ها شلیک شد خودم روی زمین افتادم و در یک لحظه دیدم که پسر هم در کنارم افتاد و خونریزی شدیدی داشت. درد خودم را فراموش کرده بودم و بعد از اینکه به بیمارستان رفتم پسر هم که از ناحیه سینه گلوله خورده و خونریزی داخلی کرده بود جان سپرد. حالا هم تقاضای پدرش قصاص است اما من دیه می خواهم.

سپس متهم به جایگاه رفت و گفت: ما اهل لرستان هستیم و رسم داریم که در جشن های مان تیر اندازی کنیم، این افرادی که عزادار شدند میهمانان ما بودند و ما نمی خواستیم به آنها آسیبی برسد. باور کنید حالت طبیعی نداشتیم و آنقدر اتفاقی گلوله‌ها شلیک شد که تا

گروه حوادث - پدر داماد که با رسم غلط تیراندازی در مراسم

عروسی باعث مرگ دو کودک شده و پس از محاکمه به پرداخت دیه و حبس محکوم شده بود با نقض حکم بار دیگر در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

پنجم تیر سال ۱۴۰۰ گزارش شلیک‌های مرگبار در یک عروسی به پلیس اعلام شد. پس از آن مأموران به محل عروسی که باغی در منطقه ملارد بود رفتند و با بررسی‌های اولیه مشخص شد که پدر داماد برای اجرای رسم تیراندازی در مراسم عروسی پسرش چندین گلوله شلیک کرده است اما گلوله به دختر ۱۲ ساله‌ای به نام مریم و پسر ۹ ساله‌ای به نام مهریار اصابت کرده و هر دو جان باختند. پدر مریم و مادر مهریار هم که مجروح شده بودند به بیمارستان انتقال پیدا کردند. در ادامه متهم ۶۰ ساله به نام محمود که به خاطر شرب خمر حالت طبیعی نداشت در محل عروسی بازداشت شد و پس از حضور در پلیس آگاهی مدعی شد: من قصدی برای کشتن میهمانانم نداشتیم. من برای شادی عروسی پسرم چند گلوله شلیک کردم که متأسفانه این فاجعه رخ داد.

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه چهار دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

نوعروس تحت سلطه شیطان بود؛

برادر داماد انتقام سختی گرفت!



در حالی که در جستجوی او بودیم، فهمیدیم به ایران فرار کرده است. به همین خاطر بدون معطلی به ایران آمدم. یک ماه تمام شبانه‌روز همه جا را گشتم و از هر کسی می‌توانستم سراغش را گرفتم. صبح تا شب ساختمان‌های نیمه‌کاره را می‌گشتم تا بصیر را پیدا کنم تا اینکه در نهایت او را پیدا کردم و انتقام گرفتم.

بعد از جنایت چه کردی؟
فردای آن روز به یک شهر مرزی رفتم و ۱۷ هزار دلار به یک قاچاق‌بر دام و به تریه رفتم. در آنجا کاری می‌کردم و گاهی اوقات خلاف‌های کوچکی هم مرتکب می‌شدم تا بتوانم زندگی ام را اداره کنم.

چه شد از تریه به ایران آمدی؟
بعد از مدتی متوجه شدم که پلیس هم لایش‌هایم را به خاطر اینکه غیر قانونی به تریه آمده‌اند از کشور اخراج می‌کند. آنجا که مرتکب قتل شده بودم و می‌دانستم پلیس در تعقیب من است، تصمیم گرفتم قبل از اینکه پلیس تریه مرا بازداشت کند و تحویل پلیس افغانستان یا ایران بدهد، خودم از تریه خارج شوم.

شبانه به قاچاق‌بر پول‌دارم و به افغانستان رفتم. بعد هم به ایران آمدم که از بخت‌بدم یکی از فامیل‌های مقتول مرا دید و به دام افتادم.

گروه حوادث - مردی که به اتهام قتل دستگیر شده بود، مدعی شد مقتول همسر برادرش را مورد آزار و اذیت قرار داده بود.

۱۴ آبان سال گذشته درگیری مرگباری در ساختمانی نیمه‌کاره در محدوده خانی آباد تهران به‌باز پرس محمد جواد شفیعی اعلام شد. با گزارش این خبر باز پرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شده و با جسد مردی ۳۵ ساله مواجه شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که جسد متعلق به یکی از کارگرهای ساختمانی است.

در تحقیقات میدانی یکی از شاهدان گفت: بصیر از افغانستان آمده و در اینجا کارگر بود، روز حادثه مرگ جوانی که به نظر می‌رسید از اقوامش است و ما تا به حال او را ندیده بودیم به سراغش آمدیم. اما چند دقیقه بعد صدای دعوا و درگیری‌شان به گوش رسید و ناگهان مرد ناشناس چند ضربه چاقو به سمت او پرتاب کرد و بصیر زخمی شد. می‌خواستیم آنها را جدا کنیم اما مرد ناشناس با چاقو ما را تهدید و فرار کرد.

در ادامه تحقیقات با کمک شاهدان، چهره‌نگاری متهم انجام شد و زمانی که خانواده بصیر، تصویر چهره‌نگاری متهم فراری را دیدند او را شناسایی کردند. در بررسی‌های پلیسی مشخص شد عامل جنایت به نام نظیر از کشور خارج شده و به تریه فرار کرده است. بیش از یک سال از جنایت گذشته بود که یکی از اقوام مقتول با پلیس تماس گرفت و سر نخ‌های رادر اختیار تیم تحقیق قرار داد: چند روز قبل در حال عبور از خیابان بودم که نظیر را دیدم. او را پنهانی تعقیب کردم و آدرس محل زندگی‌اش را که ساختمانی نیمه‌ساز در جنوب شهر بود پیدا کردم.

با اطلاعاتی که مرد جوان در اختیار تیم تحقیق قرار داد، نظیر بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد. به دستور باز پرس شعبه پنجم دادرسی امور جنایی تهران، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

سفر برای انتقام
متهم که ۱۵ ماه بعد از جنایت بازداشت شده، انگیزه خود را از این جنایت انتقام عنوان کرد.

اختلافات با مقتول بر سر چه بود؟
من و برادرم برای کار به ایران آمده بودیم و هر کدام در یک جا مشغول کار بودیم تا اینکه یک روز برادرم نزد من آمد حالش خیلی بد بود. علش را پرسیدم گفت بصیر شبانه به خانه‌شان در افغانستان رفته و با تهدید چاقو به همسرش تجاوز کرده است. با این اتفاق ما به کشورمان برگشتیم و شکایت کردیم. پرونده‌ای نیز در افغانستان تشکیل شده و پزشکی قانونی نیز این موضوع را تایید کرده است.

قتل دختر عاشق، پایان دوستی شوم!

اورادستگیر کردیم. صبح روز بعد پسر ۳۰ ساله رو به روی من نشست. از رفتارش معلوم بود که تحسین‌بکره آمده و حساب‌هایی است. از خواستم هر چه شده است را بر اساس واقعیت بگوید. لیوان آبی خواستم که به او دادم. بعد از آن کردن گلویش، شروع به صحبت کرد: «جناب سروان من قاتل رویا هستم اما نمی‌خواستم او را بکشم. نمی‌دانم چرا یکباره این غلط را کردم. من و رویا سه سال قبل با هم آشنا شدیم و کم‌کم از تباطمان شکل گرفت. حتی خانواده‌های ما دانستند ما با هم رفت و آمد داریم. از شش ماه قبل من متوجه شدم ماه به دردم نمی‌خوریم و به همین خاطر منطقی با او صحبت کردم که از تباطمان را پایان دهیم، اما او نمی‌پذیرفت و خواستار ادامه دوستی بود. هر بار می‌گفتم فرصت بدهم تا باور کند اما او بدتر می‌کرد. روز حادثه به خانه‌اش رفتم و گفتم از تباط ما باید تمام شود که او قبول نکرد و سر و صدای زیادی داد. من عصبانی بودم و نمی‌توانستم با صحبت، آرامش کنم. یکباره ضربه‌های محکم به سر و زانم که بیهوش شد. وقتی دقت کردم دیدم نفس نمی‌کشدم. سیم تلفن را دور گلویش فشار دادم که مطمئن شوم مرده است. برای فرار از قانون صحنه‌سازی کرده و بعد فرار کردم».

با اعتراضات رضا، پرونده‌ای که به نظر می‌رسید کشف آن سخت باشد، راز گشایی شد.

جسد اعلام کرد اصابت ضربه به سر این زن و خفگی‌اش، علت مرگ او بوده است. شروع به گشتن داخل خانه کرده و یک قابلمه خونی زیر سینک آشپزخانه پیدا کردیم. دیگر مطمئن شدیم که این زن به قتل رسیده است. همسایه‌ای که به پلیس خبر داده بود، در بازجویی مدعی شد، دیشب از خانه رویا (مقتول) صدای جری چند پرونده را بر سر می‌و هماهنگی‌هایم را با سایر باز پرس‌های ویژه قتل انجام دادم. آن سال ۳۳ کشف پرونده قتل داشتم و از خودم راضی بودم و تلاش می‌کردم پرونده کشف نشده نداشته باشم. ساعت ۱۱ بود که زنگ تلفن ویژه قتل به صدا درآمد. افسر کلانتری پشت خط بود و تند تند صحبت می‌کرد. جناب سروان در طبقه دوم ساختمانی هفت طبقه جسد یک زن در خانه‌اش پیدا شده است. سر جسد باد کرده و احتمالاً قتل است. از او خواستم صحنه را حفظ کند تا خردمان را برسانیم. با یک تیم از تشخیص هویت راهی محل قتل در خیابان مطهری شدیم.

ساعت نزدیک ۱۲ شده و کوجه مملو از جمعیت بود. افسر کلانتری با دیدن ما راه را باز کرد و بعد از عبور از نوار زرد رنگ بررسی صحنه جرم، وارد ساختمان و آپارتمان مورد نظر شدیم. همه چیز در نگاه اول عادی به نظر می‌رسید اما جسد زن جوانی کنار شومینه در حالی افتاده بود که سرش باد کرده و کنارش تلفنی افتاده بود. پزشک قانونی با معاينه

نیازمندی‌ها

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندی‌های روزانه جزیره کیش

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۵۸۳۲۶/۰۱
به نام رضا وجدانی تبریزی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۶۶۹۳/۰۶
به نام اریسا جعفری ماچک پشتی مفقود
گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۶۶۹۳/۰۷
به نام اریکا جعفری ماچک پشتی مفقود
گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۶۶۹۳/۰۱
به نام فاطمه شایانی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۱۴۱۱۱/۰۱
به نام آمنه شیر گیر مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

نقاشی ساختمان

نقاشی ساختمان زارعی
با ۱۵ سال سابقه کار در جزیره کیش و تهران
اجرای انواع رنگ‌های داخل و نما
سانمارکو، جوتن، اکریلیک، پلاستیکی، روغنی، پتینه
درزگیری، ماستیک کف، مولتی کالر، کینتکس و
رونکس و... سیلر کلر درب چوبی و آهنی
انواع رنگ مختلف دلخواه شما مشتری گرامی
تلفن: ۰۹۳۴۷۶۹۸۶۱۰
واتساپ: ۰۹۱۹۸۷۱۶۲۵۰
اینستاگرام: Bac_graphic

اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
پایک تماشای مشترک شوید

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۵۰۶۱۵/۰۱
به نام نسرين رسته مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

غذای خانگی

آشپز خانه خانگی دلخون
آماده پذیرش سفارشات شما
۰۹۴۶۹۱۰۳۰۲۵

غذای خانگی روغنی
با مدیریت خانم روغنی
فاز ۷ صدف، مرکز خرید سلطانیه
۰۷۶۹۱۰۳۰۲۰۷
۰۹۱۲۳۴۵۸۷۷۶

درب اتوماتیک

درب های اتوماتیک
دارکوب
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

استخدام

استخدام گرافیک
گرافیک آشنا به فتوشاپ مورد نیاز است.
متقاضیان به نشانی، خیابان فردوسی،
ویلاهای مروارید، بلوک B3، طبقه سوم،
واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند.
شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

از مترجم متن زبان، فارسی
به انگلیسی به صورت پاره وقت دعوت
به عمل می‌آید. ۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و
پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

صنایع چوب
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰
حلاج کیش